

عمیق بخارایی و تشبیه*

دکتر محمدرضا نجاریان

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه یزد

چکیده

امیر الشعراء، عمیق بخارایی - از شاعران پارسی‌گوی اوایل قرن ششم هجری است. مضامین اشعار او به مقتضای زمان، مدح و گاه هجو، تغزل و وصف طبیعت و توصیفات گوناگون است. دیوان او مشتمل بر قصاید، رباعیات و بعضی قطعات است. قسمت اعظم قصایدش در مدح شمس الملک - است؛ اما در عین مداحی، استغنائی طبع و علو روح و فکر را در زیر پای شهوت و حرص لگد کوب نمی‌کند. او در تشبیه مهارت دارد و حدود نیمی از ابیاتش حاوی تشبیه است و بنابراین، در بررسی سبک شناسانه می‌توان او را شاعر تشبیه‌گرا نامید. غالب تشبیهات او از نوع مفرد و محسوس است و پس از آن، تشبیه مجمل. اما بسامد زیاد تشبیهات مشروط، وهمی، خیالی، مرکب جمع، تفضیل و محسوس به معقول در دیوان شاعرگواه این است که او با کمال استادی، کلام خود را ظاهرا و باطنا زینت داده است به همین دلایل است که انوری - او را استاد سخن نامیده است. از آنجا که عمیق به لحاظ آوردن وجوه شباهت‌های تازه در زمره شاعرانی است که در تغییر سبک خراسانی به عراقی سهمیم بوده‌اند، در این مقاله، برآنیم تا به کمک جدول آماری تشبیهات شاعر، به بررسی ارکان تشبیه، انواع و اغراض آن، اقتران تشبیه با زیورهای بلاغی و منابع الهام گرفته در دیوان و روش و سبک او بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: عمیق، صور خیال، استعاره، تشبیه.



عمیق کیست

عمیق مکنی به «ابوالنجیب» و ملقب به «شهاب الدین» و «امیرالشعراء» از شعرای اوایل قرن ۶ هجری در ماوراءالنهر بود. تخلص او را برخی «عمیق» و «عمیقی» گفته اند؛ ولی گویا تخلص وی در اصل عقیق (مرغی هوشیار) بوده و بعدها توسط ناسخان، به صورت عمیق درآمده که واژه‌ای بی‌معنی است. او در سال ۴۴۰ هـ. ق. در بخارا متولد شد و پس از مهارت در شعر و ادب به سمرقند رفت. «انوری» شاعر نیز معاصر عمیق و به استادی وی در شعر مقرر بود (دهخدا، ذیل عمیق).

معلومات عمیق

عمیق از علوم متداول عصر خود آگاه بود. قصاید او مشحون به انواع صنایع است و این دلیل واضحی بر اطلاع کامل او از علوم و فنون ادبی است. او بر احوال اجرام سماوی هم اطلاع داشت. همچنین از مفردات قرآنی فراوان و ترکیبات عربی موجود در کلام او معلوم می‌شود که از ادبیات عرب با اطلاع بوده است. علاوه بر این، از اشعار او نشانه‌های اطلاع وی از فلسفه و علوم نیز به دست می‌آید. (صفا، ۱۳۱۴، ص ۴۱۰)

عمیق در تشبیه دستی توانا دارد و اهمیت او از آن جهت است که در این امر جانب حس را بیشتر می‌گیرد. تشبیهات وی از حیث عقلی یا حسی بودن طرفین، گاه مختلف است و اغلب حسی ولی مبتنی بر وهم و به عبارت دیگر تشبیه خیالی است. او در تشبیه، بسیار دقیق است و در تشبیهات وی لطف و قدرت و دقت فکری بسیار مشاهده می‌شود. دیوان او مشتمل بر قصاید و رباعیات و بعضی قطعات است؛ ولی از مجموع هفت هزار بیت که به او نسبت داده اند تنها ۶۱۴ بیت باقی مانده است. (صفا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۹). لغات مهجور نیز در دیوان عمیق کم نیست؛ واژه‌هایی مثل گمرا، دروا، مارا، فاوا، کاشه (عمیق، ص ۱۹۵) برهون، بورک، گسک (همان، ص ۱۹۸) سیان (همان، ص ۱۹۹) رتده، گت، کاسانه (همان، ص ۲۰۱) و ۰۰۰۰



اخلاق و عقاید عمیق

عمیق از حرص و آزر بر کران و به قناعت و خرسندی متمایل است. . او کسی را به تیغ زبان نیاززده است تنها از او دو قصیده در هجو یکی از درباریان در دست است که گویا عمیق را بیش از حد آزرده ساخته است.

عمیق مانند اغلب متفکرین قدیم در مقابل قضا و قدر تسلیم است و چون عنان همت مخلوق را در دست قضا می‌داند، جستن بیشی و پیشدستی را بلای جان تصور می‌کند. ما مختار نیستیم و گرنه به پیری و ضعف و هزاران بلای دیگر تن در نمی‌دادیم. پس با این وصف باید بدانیم که کوشش در آنچه که مشیت الهی نیست ثمری ندارد و اگر به دندان کوه را دره کنیم جز آنچه که خداوند خواست نتوانیم بدست آورد. در عین حال، او معتقد است که زمین سراسر گنج است و این گنجها در آن ناپیداست و انسان باید به جستجو و فتح باب آنها همت گمارد. (صفا، ص ۴۰۸). شاعر همه را کور می‌خواهد تا معشوق او را نبیند و نیز خودش را کور می‌خواهد تا دیگری را به سوی او نبیند (عمیق، ص ۲۰۲). وی در جایی، مذهب خود را شیعه معرفی می‌کند:

سپهر جاه علی افتخار دین که ز فخر

چو شیعه مذهب خود را بدین علی بندم

همه مناقب او گویم و مدایح او

به شاعری چو سخن بر سخن پیوندم

(دیوان، ص ۸۱)

شاعر آداب و رسوم ایرانی را زیبا و هنرمندانه به تصویر کشیده است:

رسوم بهمن و بهمنجنه است و روز سده

الا به بهمن، پیش آر قلبه بهمن

(دیوان، ص ۱۸۶)

سبک و شیوه عمیق در شاعری:

عمیق در بسیاری از اشعار خویش به صنعت متوجه شده است؛ از جمله ترصیع، تشریح، التزام، تقابل، تضاد و تکرار. در عین حال، اشعارش را از رکاکت و پستی خارج کرده



است. عمیق در تشبیه بسیار دقیق است و در این حال، جزئیات امور را کاملاً در نظر می‌گیرد و ذوق سلیم خود را در ترتیب آنها دخالت می‌دهد. می‌توان قدرت وی را در تشبیه؛ در توصیف ظهور و خفای ماه نو، به قوت حس کرد.

گهی نهران شد و گاهی همی نمود جمال
چو نور عارض فردوسیان به زیر نقاب

(دیوان، ۱۳۰)

عمیق گاه، در تشبیه دچار زلت می‌گردد و تشبیهاتی سرد دارد؛ در این مصراع «همی روی به مصاف اندرون چو عزرائیل» که تشبیه ممدوح به ملک الموت بسیار ناپسند است و نیز در بیت زیر تشبیه ساعد جنگجویان یا ممدوح به آلت قصاب زشت و دور از ذوق است. (صفا، ص ۴۱۰).

ز عکس جوشن، میدان چو دامن مریخ
زخون دشمن، ساعد چو آلت قصاب

(دیوان، ۱۳۲)

نگارنده در این مقاله، در صدد بررسی مهارت عمیق در تشبیه است و در کنار آن، به بیان جایگاه او از نظر سبک‌شناسی در عرصه ادب نیز می‌پردازد.

تشبیه

تشبیه مانند کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میان آن دو می‌توان یافت. گرچه تشبیه اولین قسمت از مباحث فن بیان است، اما از نظر بلاغت و ظرافت در بیان کردن ما فی الضمیر در مرتبه چهارم قرار دارد. به این معنی که بلیغ‌ترین سخن آن است که به صورت کنایه القا شود. پس از کنایه مجاز مرسل و در مرتبه سوم استعاره است و تشبیه در پایین‌ترین مراتب بلاغت است.

با این حال، در تشبیه، لطافتها و زیبایی‌هایی است که کلام را در نظر مخاطب، دلپذیر و دلنشین و مخاطب را نسبت به پذیرش آن راغب می‌سازد. روشن ساختن زوایای کلام و نزدیک کردن مفهوم آن به ذهن مخاطب، از دیگر مزایای تشبیه است. (نصیریان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵ تا ۱۳۵). شعر بی تشبیه چون حسن نا آراسته و همانند گل ناپیراسته است. هر شاعری که در مزین کردن شعرش به این زیور، زبردست‌تر باشد جهانگیرتر است.



تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال شاعرانه است. صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان در می‌آورد. (پورنامداریان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱).

چون رابطه بین عناصر تشبیه دیداری تر از رابطه عناصر استعاره است، برخی تشبیه را «قوم و خویش فقیر» استعاره دانسته‌اند (هاوسن، ۱۳۷۷، ص ۱۰)، اما چنین نیست؛ زیرا علمای بلاغت تشبیه را فرمانروای اقلیم استعاره و تمثیل و جناس می‌دانند. (تجلیل، ۱۳۶۸، ص ۲).

ابن ابی العون تشبیه را سخت تر از مثل سائر و استعاره می‌دید. (احسان عباس، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷). دکتر شفیعی بهترین نوع تشبیه را آن می‌داند که صفات مشترک آن بیشتر باشد؛ چنانکه یادآور نوعی اتحاد باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۰، ص ۵۶). زیرا مشبه و مشبه به عین هم و متحد با یکدیگر به نظر می‌رسند. چنین تشبیهات را می‌توان به سه قسم تقسیم کرد (فرشیدورد، ۱۳۸۰، صص ۴۸۵ تا ۴۹۶):

۱- تأکیدی: تشبیه با اداتی مثل «گفتی»، عینا برآستی و ... مؤکد می‌شود.

حصاری پدید آمد از دور؛ گفتی
سپهر است رسته ز فولاد و مرمر

نه خورشید را سوری بالای او ره
نه اندیشه را سوی پهنای او در

(دیوان، ص ۱۴۷)

۲- ترجیحی و اغراقی: از اقسام آن نوعی است که مشبه برتر از مشبه به است (تشبیه

تفضیلی). این نوع تشبیه به چند طریق صورت می‌گیرد:

(الف) با صفت تفضیلی؛

(ب) با عوض کردن مشبه و مشبه به در جمله منفی یا انکاری یا استفهامی؛

(ج) با کلماتی مثل رشک؛

(د) با عباراتی مثل خجل شدن، سبق بردن، شرم کردن، جلوه شکستن و ...؛

(ه) آوردن مشبه به نامحسوس برای مشبه محسوس؛



(و) با «یا»؛

(ز) حصر؛

(ح) جمع

۳- عینیت و تناسی در تشبیه: تناسی در تشبیه در مطول، خاص مبحث استعاره مصرحه مرشحه است؛ ولی می‌توان آن را به موارد زیر تعمیم داد:

(الف) حذف ادات تشبیه؛

(ب) مشبه از سنخ مشبه به شمرده شود با کلماتی چون «ز»؛

(ج) تشبیه مضمراً؛

(د) با «گویی» و «گویا» و «بینی» و «...»

تشبیه با صور خیال دیگر

- اغراق: برای در یوزگی - بویژه در مدح کسانی که شایسته مدح نیستند - تنفر آور است؛ لیکن در دیوان عمیق به عنوان هنری شاعرانه، علاوه بر مدح، برای بیان حال به خدمت آمده است. اغراق ممکن عقلی و محال عرفی است؛ اما غلو، محال عقلی و عرفی است (راستگو، ۱۳۸۲، ص ۳۰۴). پس غالب گزافه‌گویی‌های عمیق از نوع غلو است: من آن مورم که از زاری، مرا مویی پیوشاند

من آن مورم که از سستی، کم از موری توان دارد

(دیوان، ص ۱۴۰)

شاعر با تشبیه خود به «مور» و «مو» در وجه شبه لاغری و ناتوانی غلو بکار برده است. التزام و اعنات دو کلمه «مور» و «مو» و نوعی آرایه عکس در کنار اغراق، تشبیه را خیالی‌تر و زیباتر نموده است.

- حسن تعلیل: حسن تعلیل به هر دلیل آوری زیبا و ذوق‌پذیر و هنرمندانه اطلاق می‌شود. (راستگو، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰). در بیت زیر، شاعر فصل خزان را عامل زردی رخ محبوب می‌داند:



تو باری از چه غمگینی دژم رویی و زرین رخ

مگرتان هر دو را بوده است این فصل خزان زرگر؟

(دیوان، ص ۱۵۵)

- تجاهل عارف: تجاهل عارف بیشتر زرف ساختی تشبیهی دارد، چنانکه رو ساختی این

یا آبی و روند و روالی اغراقی و تأکیدی (راستگو، ۱۳۸۲، ص ۳۱۳)؛ نظیر بیت:

آلایا مُشْعِدِ شَمَالِ مُعْنَبِرِ
بخار بُخوری تو یا گرد عنبر؟

(دیوان، ص ۱۴۱)

-استخدام

ای چنگ سرافکنده چو هر ممتحنی
در پای کشان زلف چو محبوب منی

(دیوان ص ۲۰۵)

«سرافکنده» و «پای کشانی زلف» در مورد چنگ به شکل ظاهری چنگ و تارهای

آن مربوط است؛ در حالی که این واژه ها، در مقایسه با فرد غمگین و محبوب معنای

دیگری متبادر می کند.

- رجوع

منم چون مور از اندوه، ازهر موی خون افشان

نه مویی کو گره گیرد؛ نه موری کو میان دارد

(دیوان، ص ۱۴۰)

بدیهی است این رجوع و تقیید تشبیه را به سوی تفضیل می راند.

- تضاد

آن نه زلف است آن که او بر عارض رخشان نهاد

صورت ظلم است کو بر عدل نوشروان نهاد

(دیوان، ص ۱۹۶)



بین (زلف و عارض) و (ظلم و عدل) تضاد دیده می‌شود.

- تلمیح

تعداد کمی از تشبیهات عمیق تلمیحات پهلوانی و شاهی دارد: ۱. شاعر به فرامرز (دیوان، ص ۱۵۱) ۲. ممدوح به قارون (دیوان، ص ۱۸۷) ۳. کشور به تماشاگه کسری (دیوان، ص ۱۵۴). بسیاری تشبیهات تلمیحی دیوان عمیق، اساطیر سامی و مذهبی هستند و پرتوی از داستانهای قرآنی شعر شاعر را زیبایی ویژه‌ای بخشیده؛ از جمله گریز دشمن از پرچم ممدوح به گریز اهریمن از آیات قرآن تشبیه شده است:

چو سهم رایتت بیند معادی زود بگریزد
چو اهریمن که بگریزد ز سهم آیت قرآن

(دیوان، ص ۱۸۹)

اعلامی همچون عیسی، موسی، یوسف، یعقوب، نوح، عمران، آزر، جمشید، فرامرز، مانی، سیاوخش به غنای تشبیهات شاعر کمک نموده اند. حدود ۱۵ بیت از ابیات عمیق تشبیهات اساطیری و در تکریم و تعظیم ممدوح است:

به حکم نیاکان او باز گردم
سیاوخش وار اندر آیم به آذر

(دیوان، ص ۱۵۲)

او برای رد آنچه معاندین گفته‌اند به قسم و گذشتن از آتش چون سیاوش حاضر است.

- مراعات نظیر

نسیم باد تو مشک است و آب ابر تو شیر
هوات کان مراد است و خاک معدن کام

(دیوان، ص ۱۷۸)

کلمات «آب»، «باد»، «خاک» این تشبیه مفروق را مزین نموده است.

- جناس

روزی که گرد معرکه تیره کند هوا
گردد زمین چو قیر و فلک تار همچو قار

(دیوان، ص ۱۶۷)



در اینجا «زمین» به «قیر» و «فلک» به «قار» تشبیه شده است و جناس میان مشبّه‌ها و نیز میان (تار و قار) تشبیه را آهنگین نموده است. جناس یکی از روشهای سه گانه موسیقی لفظی کلام است.

- حرف گرایی

حرف گرایی در تشبیه ایجاد موسیقی معنوی یا تناسب معنایی می‌شود. (فشارکی، ۱۳۷۹

ص ۱۲۰)

تشبیهات حروفی در دیوان عمیق نادر است:

بشتم از جیم او چو جیم دو تا
بر من از میم او جهان چون میم

(دیوان، ۱۸۰)

به نظر می‌رسد این بیت از عطاء بن یعقوب باشد نه از عمیق (عمیق، ص ۱۷۹)

قد چو الف به عشق تو نون کرده
خاک ره پشت موزه گلگون کرده

(دیوان، ۲۰۴)

- استعاره

بسامد استعاره در دیوان عمیق بعد از تشبیه است. استعاره مصرحه از مکنیه بیشتر است و مکنیه‌ها هم غالباً اضافه استعاری هستند. در هر حال، استعاره در کنار تشبیه آن را هنری‌تر نموده است:

لیکن ستم بود به کنار چنان سگی
سرو ستاره عارض و خورشید لاله پوش

(دیوان، ۱۷۱)

سگ استعاره از «أغل». سرو و خورشید استعاره از همسر «أغل» که در مصرع دوم مشبه است. «أغل» همان اغول حاجب است؛ از امراء محمد خوارزمشاه در خوارزم که مورد هجو عمیق قرار گرفته است. (خاتمی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۹). سلطان محمد خوارزمشاه او را «اینانج

خان» لقب داد. (خرندزی، ۱۳۴۴، ص ۱۸)



چو بر کشید سر از باختر علامت شب
فرو کشید علمدار آفتاب طناب

هوا نهان شد در زیر خیمه ازرق
زمین نهان شد در زیر خرقة سنجاب

(دیوان، ص ۱۲۸)

آفتاب در اضافه تشبیهی به علمدار مانند شده است و علامت شب و طناب استعاره مصرحه از ماه و پرتو خورشید است. نیز خیمه ازرق و خرقة سنجاب استعاره مصرحه از آسمان است.

- کنایه: کنایه جنبه هنری و ادبی دارد؛ از این رو در کنار تشبیه به غنای زبان می‌افزاید. انواع کنایه در دیوان عمیق وجود دارد ولی آمار کنایه از فعل یا مصدر بیشتر است: الف) کنایه از موصوف مثل نیلگون چادر کنایه از آسمان (دیوان، ۱۹۷):

روز رزم او چو رایت‌های او صف بر کشند
اختران از بیم، سر در نیلگون چادر کشند

ب) کنایه از صفت: مثل گوهر بار و دریا دل کنایه از بخشنده و شجاع (دیوان، ۱۵۶):

نکو کردار، کشوردار، گوهر بار، دریادل
جهان آرای، فرخرای، حق فرمان، حق گستر

ج) کنایه از فعل یا مصدر: طبل زیر گلیم زدن کنایه از پنهان داشتن امر آشکار (دیوان،

۱۸۱)

چه کنی حال خویش را پنهان
چه زنی طبل خیره زیر گلیم

- مجاز: مجاز با علاقه های گوناگون در دیوان عمیق موجود است اما آنچه بیشتر از همه در کنار تشبیهات به چشم می‌آید مجاز به علاقه جزء به کل است: کیوان مجاز از آسمان

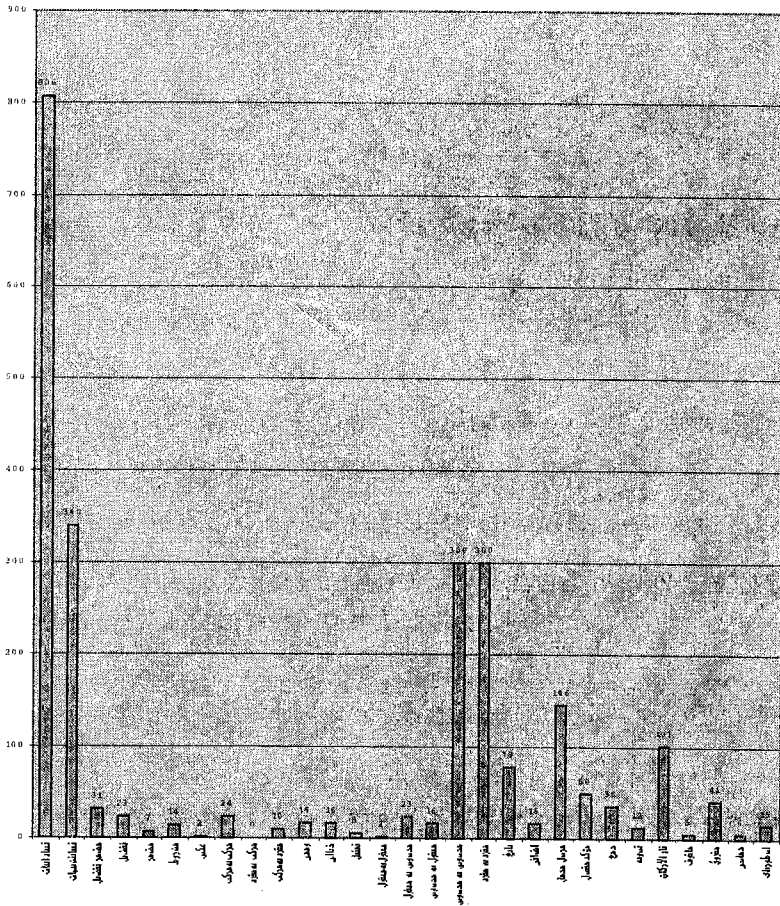
فلک کردار، منظرها بر اطراف صنوبرها
ارم کردار طارم‌ها به کیوان بر زده ایوان

(دیوان، ۱۹۱)



نمودار شماره ۱ آمار تشابهات عددی عمیق را به نمایش در آورده و نگارنده در دنباله مطلب، اطلاعات آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد:

معنی تشابهات



ساختار معنوی تشبیه (تشبیهات حسی و عقلی)

- تشبیه حسی به حسی: حدود ۹۰٪ تشبیهات عمیق حسی به حسی است. شعر فارسی تا پایان قرن ۵ شعر طبیعت است و عنصر رنگ به علت حسی بودن تصاویر، قوی‌ترین عامل تداعی تصویر است (شفیعی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۴).

در شعر عمیق، رنگهای گوناگون وجود دارد: معصفر (دیوان، ص ۱۳۹)، ناردان (ص ۱۴۰)، اخضر (ص ۱۴۸)، ادکن (ص ۱۸۸)، اذفر (ص ۱۵۱)، لاجوردین (ص ۱۷۶)، گلرنگ (ص ۱۸۳) پیروزه گون و بیجاده گون (ص ۱۵۷)، سیاه و قیر گون (ص ۱۷۷)، فیروزه گون (ص ۱۵۳)، شبه گون (ص ۱۲۸)، عاج گون و ساج گون (ص ۱۵۳)، سیمگون (ص ۱۳۵) و گلگون (صص ۱۴۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۴). پس عنصر رنگ و هیأت به وفور است ولی عنصر بو، طعم، صدا و حرکت در تشبیهات عمیق نادر است. در ترکیب باد مشکین (ص ۱۴۳) و تشبیه زلف محبوب به ناف آهو (ص ۱۵۵) و باد سحر گاهی به شراب بوی وصل (ص ۱۳۸) و هوای دشت به بوی بد دهان شیر (ص ۱۴۶) عنصر بو به کار رفته است:



۱۳۰

گیاش از درشتی چو دندان افعی
هواش از عفونت چو کام غضنفر

در تشبیه زیر، وجه شبه عنصر حرکتی است:

همی رفتمی من در این حال لرزان
چو کتف یتیمان عریان در آذر

(دیوان، ص ۱۴۶)

- تشبیه عقلی به حسی

تشبیه معقول؛ غرض از تشبیه عقلی به حسی تجسم و تعین است و به یاری مفاهیم حسی می‌توان معقولات را روشن تر کرد. (طالبیان، ۱۳۷۸، ص ۲۰۷). در تشبیهات عمیق، این نوع تشبیه کم است:

آثار عدل او چو ستاره است بی عدد
دریای جود او چو سپهر است بی کنار

(دیوان، ص ۱۶۰)

-تشبیه حسی به عقلی: گفته‌اند تشبیه محسوس به معقول مردود است؛ زیرا حس اصل است و عقل فرع (علی الصغیر، ۱۴۲۰هـ ص ۸۷). حدود ۷٪ تشبیهات عمیق حسی به عقلی است که نشانه تحول به سوی تغییر سبک است. تشبیه هوا به هاویه (دیوان، ص ۱۳۱)، باد سحر به روح و اندیشه (دیوان، ص ۱۳۸)، باد شمال به روان روحانیان (ص ۱۴۱)، جامه به دل (ص ۱۴۲)، رخ محبوب به جان فرشته (ص ۱۸۳)، اُغُل به قضای بد (ص ۱۷۳) و اُغُل به ذل و نیاز (ص ۱۷۴) از جمله این تشبیهات اوست:

گران و بی نمک و ناخوشی چو ذل و نیاز
نپهره و بدی و ناروا چو سیم دغل

گاهی این نوع تشبیه به شکل مرکب تلمیحی جلوه گر شده است (ص ۱۹۶):

آن نه زلفست آنکه او بر عارض رخشان نهاد

صورت ظلم است کو بر عدل نوشیروان نهاد



-عقلی به عقلی: این نوع تشبیه در دیوان عمیق نادر است (ص ۱۶۶):

رایش چو اصل پاکش پاکیزه از عیوب
رسمش چو اعتقادش تابنده تر ز نار

تشبیه خیالی: از فروع تشبیه حسی است. ماده تشبیه خیالی موجود است؛ ولی هیأت تخیلی آن موجود نیست (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۹). ۱۶ تشبیه خیالی در دیوان عمیق وجود دارد: دریای لؤلؤ لالا، ماهی زرین میان چشمه آب، شمع زرین در محراب زمرّدین، سپهر فولادی و مرمرین، دیوار کاغذین، قایق زرین، آسمان سیمین، پیل زمرّدین اندام، پشه زرین (دیوان، ص ۲۰۰). غالب مشبّه‌های او در این تشبیهات خیالی ماه و فلک است.

رواج تشبیهات خیالی و وهمی در شعر فارسی مربوط به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است که از مشخصات تبدیل سبک خراسانی به سبک عراقی و شعر بین این دو سبک است و در آثار شاعرانی چون ارزقی و عمیق دیده می‌شوند (شمیسا، ۱۳۷۸، ص ۸۰):

فلک چو چشمهٔ آب و مه نو اندر وی
به‌سان ماهی زرین میان چشمهٔ آب

(دیوان، ص ۱۲۹)

تشبیه وهمی: این تشبیه از فروع تشبیه عقلی است و اجزای آن با حواس ظاهر ادراک نمی‌شود. (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰). در تشبیهات عمیق، شانزده تشبیه وهمی وجود دارد که دلالت بر گرایش شاعر به مفاهیم وهمی و انتزاعی دارد. ازدها، عفریت، دیو، غول، نسناس، اهریمن و سیمرغ مشبهٔ به‌های وهمی و تجریدی عمیق هستند:

سیمرغ وقت بود؛ ولیکن ز پنج مرغ
ترکیب داده بودش جبار ذوالمنن

همت ز باز و تگک ز غراب و فراز همای
طوق شغب ز فاخته، قوت ز کرگدن

(دیوان، ص ۱۹۹)

به نظر می‌رسد که عمیق این ابیات را از مجدالدین ابوالبرکات گرفته باشد:

سیمرغ جنس بود و لیکن ز پنج نوع
بودش صفت مرکب و اخلاق مقترن

همت ز باز و فرزه‌های و تک از نعام
طوق غیب ز فاخته طاقت ز کرگدن

در مدح سرایی، اولی آن است که اگر شاعر، ممدوح را به آفتاب تشبیه کند باید اسب او را به آسمان، خاصهٔ فلک چهارم و نعل آن را به ماه نو و میخ آن را به ستاره تشبیه نماید؛ این که کرگدن را داخل طیور شمرده، بر آن قول رفته که جمعی او را از طیور تحقیق کرده‌اند. (هدایت، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

تشبیه بلیغ: در دیوان عمیق ۷۸ تشبیه بلیغ است که کمی از آن به صورت اضافه مشبه، به مشبه است و غالباً عقلی به حسی؛ از جمله تیر جفا (دیوان، ص ۱۳۴)، شمع رخان (ص ۱۳۵)، بحر غم (ص ۱۵۸)، علم دار آفتاب (ص ۱۲۸)، تیغ دولت (ص ۱۸۷)، گرگک، ظلم و بازوی عدل، (ص ۱۹۵) پرده دل (ص ۲۰۲)، سد جفا (ص ۱۷۳)، سپاه طبایع (ص ۲۰۰)،



سپاه روز و لشکر شب (ص ۱۷۶)، گرد غم (ص ۱۷۳)، دام بلا (ص ۱۸۵)، تاج محنت (ص ۱۵۱)، باغ رخ (ص ۲۰۳)

در باغ رخش بهر تماشای دلم گل بود و به سبزه نیز آراسته شد
تشبیه سازی با صفات، صورت خیالی و شاعرانه ایجاد می کند (طالبیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۵).
صفات مرکب مثل ماه چهره (ص ۱۳۵)، شجاع حیدر زخم (ص ۱۸۷)، صنوبر قد (ص ۱۶۹)،
جمشید ملک و خورشید منظر (ص ۱۵۰)، فلک قدر ملک دیدار گردون فر دریا دل (ص ۱۹۰)
که بن مایه تشبیه دارد؛ بر غنای تشبیهات عمیق افزوده است.

تشبیه مؤکد: حدود ۵۰ تشبیه مؤکد در دیوان عمیق است که بیشتر آنها به شکل
اضافه وجه شبه به مشبه است:

بوی مشک و رنگ ناردان (ص ۱۴۰)، باریکی پای موران، تنگی و تاریکی دیده ذر (ص ۱۴۷)،
خشم ابر آزاری، زور پیل، سهم شیر، مکر گرگ پرستان (ص ۱۸۹). یا مثل این بیت
در هجو اُغُل (دیوان، ص ۱۷۵):

آیا به اصل سگ و کوز کوه و ظلمت کفر
به زور مور و به دیدار مار و نحس زحل

تشبیه حماسی: در این تشبیه، شاعر مفضلاً به توصیف مشبه به می پردازد، لذا آن را
«تشبیه تفصیلی» نیز نامیده اند. این نوع تشبیه در شعر سبک خراسانی زیاد است (شمیسا،
۱۳۷۸، ص ۱۳۳).

عمیق در جریان رانده شدن از دربار و یا اسیر وار از کنار جیحون، ۱۳ بیت به توصیف
خر بد نژاد و دست و پشت او می پردازد:

زمانی ستاده چو بسر طور موسی
زمانی نشسته چو دجال بر خر

(دیوان، ص ۱۴۴)

هم او نه بیت در توصیف راه دارد؛ از جمله آن را به کردار زنار راهب می داند (۱۴۷). ۵

بیت هم به توصیف شمع می پردازد (۱۵۴)



تشبیه مرکب: ۷٪ از تشبیهات عمیق مرکب به مرکب است که باعث ارزش معنوی اشعار اوست:

چو روحانیان بر بساط بهشتی
بر آن سیم غلستان پلنگان بربر
(دیوان، ص ۱۴۷)

از ویژگیهای عمیق تشبیه جمع مرکب به مرکب است (صص ۱۲۸، ۱۶۳، ۱۴۸):
چنان نمود اثر آفتاب و ظلمت شب
چو از عمامه مصقول چه ره اعراب
یکی چو عارض معشوق زیر سایه زلف
یکی چو چشمه خورشید زیر چتر سحاب

تشبیه مفرد به مرکب در دیوان او زیاد نیست مثل (ص ۱۴۶)
زلفین تو قیری است بر انگیخته از عاج
رخسار تو شیری است بر آمیخته با مل



تشبیهات متعدد

الف- تشبیه جمع: حدود ۱۱٪ از تشبیهات عمیق، تشبیه جمع است. بدیهی است این تشبیه با نوعی تفنن و تازگی مفهوم تفضیل را همراه دارد:
گل لاله با قطره های باران در داخل آن به جام پر از شراب سرخ، شعله آتش درون آب و موجهای قرمز رنگ درون آتش تشبیه شده است این تشبیه، جمع و مرکب است (ر):
(۱۶۳):

آن لاله نهفته در او آب چشم ابر
گویی که جامهای عقیق است پر عقار
یا شعله های آتش تراست اندر آب
یا موجهای لعل بدخشیست در شرار

ب- تشبیه تسویه: حدود ۴٪ تشبیهات شاعر، تسویه است

خیال وار چو ماه مقنّع از سر کوه
 ز روی چرخ همی تافت زهره و بهرام

(ص ۱۷۷)

ج- تشبیه مفروق: ۱۲٪ تشبیهات عمق مفروق می‌باشد که غالباً تشبیه مرکب می‌سازد:
 جهان گردد از خون مردان چو دریا
 تو چون نوح و کشتی تو خنگ رهور

(ص ۱۵۱)

پیرامنم ز آب دو دیده چو آبگیر
 پیرامنم ز خون دلم همچو لاله زار

(ص ۱۶۴)

این بیت آرایه «تشریح» یا «ذو قافیتین» دارد که ابن ابی الاصبغ آن را «توأم» نامیده و
 تفتازانی گوید آن را «توشیح» نیز می‌خوانند. (ابدع البدایع، ص ۱۴۰).

د- تشبیه ملفوف: این نوع تشبیه در دیوان عمیق نادر است و با آرایه تقسیم همراه
 می‌باشد (ص ۱۵۵):

ز زلف و چهره شیرینش مغز و چشم من هزمان

یکی پر ناف آهو شد یکی پر صورت آزر

حسامیزی در «چهره شیرین» زیبایی بیت را دو چندان نموده است.

گاه نیز تشبیه ملفوف با مفروق عجین شده است:

هوا چو خرگه سیماب، بر کشیده به چرخ

فلک چو خیمه دیبای بر زده به مقام

یکی به صورت افعی لاجوردین تن

یکی به گونه پیل زمردین اندام

(ص ۱۷۶)

تشبیه عکس: در تشبیه عکس مشبه را مشبه به و مشبه به را مشبه قرار می‌دهند برای
 ایهام اینکه مشبه از مشبه به اتم و اقوی در وجه شبه است (آق اولی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵).



استعاره مکنیه را هم از فروع تشبیه مقلوب می‌دانند؛ زیرا جهت مبالغه اسم مشبه را برای مشبه به استعاره گرفته‌اند (دراسه و نقد، ص ۲۵۱). در دیوان عمیق تشبیه عکس نادر است:

زنت چو مادر و مادرت روسپی چو زنت

پدرت چون تو و تو چون پدرت گنده بغل

(دیوان عمیق، ص ۱۷۵)

تشبیه تفضیل: آن است که مشبه را به چیزی تشبیه کنند و سپس از گفته خود عدول کرده، مشبه را بر مشبه به ترجیح دهند. «فتازانی» گوید گاهی در تشبیه مبتدل تصرف می‌شود و تغییر و تبدیلی در او حاصل می‌شود که آن را به غرابت می‌کشاند و تشبیه را با مبالغه می‌رساند (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۴). استاد همایی آن را تشبیه بعید غریب عارضی می‌داند (همایی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳).

تشبیه تفضیل از اقسام تشبیه تأکیدی و رجحانی است (فرشیدورد، ۱۳۸۰، ص ۴۴۷) و پس از تشبیه کنایه (استعاره مکنیه) و تشبیه مشروط این صنعت بهتر از سایر تشبیهات است (هدایت، ۱۳۸۳، ص ۷۳). گویا شاعر به تشبیهی که کرده، قانع نیست و می‌خواهد با مبالغه خود را راضی کند (علوی مقدم، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰). حدود ۱۵٪ از تشبیهات عمیق تفضیلی است که گواه نو آوری شاعر است در میان عناصر طبیعی خورشید، دریا، ماه و فلک بیشتر در دیوان عمیق هستند:

خورشید کزوست گرم هنگامه حسن

درنیل زد از رشک رخت جامه حسن

(دیوان، ص ۲۰۴)

شیر در تب همیشه از بیمت

زرد کرده چو دشمنانت دیم

(دیوان، ص ۱۸۲)

این مضمون را ابو الفرج رونی هم دارد:

بی تب لزرزه به حریرگاه نیارد

دعوت حرب تو شرزه شیر زبان را

(دیوان، ص ۳)



ز بیم حمله تو هر زمان بجوشد خون
ز خاک کالبد و جان رستم و سهراب

(دیوان، ص ۱۳۲)

رجحان دادن ممدوح بر گذشتگان را ترجیح می‌نامند که نیکو و بدیع است (هدایت، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

تشبیه مشروط: تشبیه مشروط و تفضیل هر دو بر تفضیل دلالت می‌کنند؛ زیرا شرطی که در تشبیه مشروط می‌آید مفید معنی تفضیل است، پس اینها از جنس تشبیهات مقید و مرکب‌اند و از نظر معنا، از اقسام تشبیه تأکیدی و رجحانی و اغراقی هستند (فرشیدورد، ۱۳۸۰، ص ۴۴۷).

مدرس افغانی تشبیه مشروط را تشبیهی می‌داند که در آن تصرف شده تا به غریب تبدیل گردد. او تشبیه مشروط را تشبیه مقید با هر قیدی می‌داند نه اینکه که مخصوص شرط نحوی باشد (افغانی، ۱۴۱۰ هـ ص ۲۰۶). ولی ما بخاطر پرهیز از درازگویی به مصادیقی می‌پردازیم که ادات شرط در آن وجود داشته باشد.

استاد همایی تشبیه مشروط را که با نوعی شرط همراه است، تشبیه غریب عارضی می‌داند (همایی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳). ۴٪ تشبیهات عمیق مشروط است که دلالت بر ابداع او دارد:

چو ماهی گر کسی دیده است هرگز ماه مشکین خط

چو سروی گر کسی دیده است هرگز سرو سیمین بر

(دیوان، ص ۱۵۵)

تشبیه تمثیل: دکتر شمیسا تشبیه تمثیل را تشبیهی می‌داند که مشبّه به آن جنبه مثل دارد و مشبّه امری معقول و مرکب است که برای تقریر آن، مشبّه بهی مرکب و محسوس ذکر می‌شود.

بهترین راه برای تشخیص تمثیل، اسلوب معادله است که از محورهای خصایص سبک هندی است و میان دو مصراع شباهت وجود دارد (طالبیان، ۱۳۷۵، ص ۵۶). این تشبیه را



پرمایه‌ترین و هنری‌ترین گونه تشبیه نامیده‌اند؛ زیرا سخنور به یاری آن به آفرینش زمینه‌هایی پندارین و فضاهایی شاعرانه کامیاب می‌شود.

تشبیه تمثیل دلیلی است بر خیال گسترده که تنها زائیده تفکری قوی و خیال مبتکر و ادراک والا است و به نظر می‌رسد که تشبیه ضمنی زیرمجموعه این تشبیه باشد (فاضلی، ۱۳۷۶، ص ۴۸). ما در این جا، تنها به مواردی که اسلوب معادله دارد توجه می‌کنیم.

الف) ۱/۵٪ تشبیهات عمیق تمثیل است؛ از جمله:

چه کنی حال خویش را پنهان؟

چه زنی طبل خیره زیر گلیم؟

(دیوان، ص ۱۸۱)

ب) گاهی دو مصرع بیت عمیق مثل است

هرگز نبود خار به شوری چو نمک

وز کاه چگونه می‌بسازند کسک

(دیوان، ص ۱۹۸)

«کسک» به معنای قلیه گوشت است. نیز نام پرنده ای است سیاه و سفید که او را عکه گویند و به عربی عقق خوانند و به ترکی کلوخ باشد. (برهان قاطع، ذیل کسک)

ج) در یکی از تمثیل‌های عمیق تلمیح به مطرود شدن ابلیس از درگاه الهی وجود دارد که شاعر در مدح ممدوح خود حسن تعلیل به کار برده است:

تو سایه خدایی و از روی حفظ خلق

نشگفت اگر عذاب تو باشد خدای وار

ابلیس را خدای تعالی عزیز کرد

آنکه چنان که خواست لعین کرد و خاکسار

(دیوان، ص ۱۶۸)

تشبیهات نو

الف-مشبه به نو

تا کی از بهر قوت و شهوت نفس

همچو کاسانه می‌نیاسایی؟

(دیوان، ص ۲۰۱)



مخاطب به کاسانه تشبیه شده و وجه شبه (نیاسودن) است. کاسانه مرغکی سبز رنگ
بسرخی مایل در خوزستان است.

میان میدان سرهای شیر مردان را
تپان و غلتان بینی چو گوی در طبطاب

(دیوان، ص ۱۳۲)

ابوالفرج رونی این تشبیه را زیباتر بیان می کند:

فکنده دهر هنوزم چو مهره در ششدر
زننده چرخ عجولم چو گوی در طبطاب

(دیوان، ص ۲۴)

همی رفتمی در چنین حال لرزان
چو کتف یتیمان عریان در آذر

(دیوان، ص ۱۴۶)

شاعر خود را در دشت صعب العبور به کتف یتیمان عریان در آذر ماه مانند نموده است
و وجه شبه را «لرزان و معذب بودن» بیان می کند.

فغان از آن لب و دندان که گفته‌ای به قیاس
سفال‌های شکسته است در یکی مزبل

(دیوان، ص ۱۷۵)

لب و دندان شخص هجو شده (أُغْل) چون سفال شکسته در مزبل است. ادات تأکیدی
«گفته‌ای به قیاس»، اغراق و مراعات نظیر، هجو را تأکید می کنند.

آیا برنگ شتر غاز تر و گند پیاز
که طبع را چو سپری و دیده را چو سبل

(دیوان، ص ۱۷۵)

«أُغْل» به شتر غاز و پیاز تشبیه شده است و وجه شبه (رنگ و گند نامطلوب) است. اشتر
غاز یا شتر غاز گیاهی است که شتر از آن گاز می زند، اصل این کلمه «اشتر گاز» فارسی
است (نصرعلی، ۲۰۰۳م، ص ۳۱). شاعر به دنبال هجو أُغْل او را برای طبع مثل سپرز (غده‌ای
قرمز در سمت چپ شکم. و برای دیده مثل سبل (موی رویده در چشم) می شمارد. اضافه



وجه شبه به مشبّه به در مصرع اول باعث تناسی تشبیه شده است، نیز اصطلاحات علمی پزشکی و گیاهی دلالت بر تسلط شاعر به این علوم دارد.

ب-وجه شبه نو

تبدیل وجه شبه عادی به وجه شبه غریب وسیله‌ای برای تازگی تشبیه است، آنچنان که این گونه تشبیهات را از نشانه‌های تحوّل سبک خراسانی به عراقی دانسته‌اند (هنجار گفتار، ص ۱۵۱). وجه شبه در واقع اساس تشبیه است و هرچه دیرباب‌تر و تازه‌تر باشد، تشبیه هنری‌تر می‌گردد (صادقیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹).

علّت مخفی بودن وجه شبه بعید را دو چیز می‌دانند: ۱. مفصل بودن ۲. دور بودن از خاطر و ذهن و نادر بودن آن (عتیق، ۱۹۷۴م، ص ۹۳).

به آفتاب مانسی تو ای سگ به دو پای

که گه به شرق و به غرب است و گه به حوت و حمل

(دیوان، ص ۱۷۴)

«أُعَلُّ» چون آفتاب است در حرکت به سوی شرق و غرب. حمل منزل یا برج اول خورشید و بیت الشرف اوست و حوت برج آخر خورشید است. اصطلاحات نجومی، تضاد در شرق و غرب و استعاره در کلمه (سگ) باعث رنگ آمیزی این تشبیه هجو آمیز شده است.

مردان سازند جای درخانه زین

باشند زنان خانه نشین همچو نگین

(دیوان، ص ۲۰۴)

زنان درخانه نشین بودن مثل نگین هستند.

عاشقان را چو کرم ابریشم

خانه هم گور و هم کفن باشد

(دیوان، ص ۱۹۷)

عاشق چون کرم ابریشم است؛ وجه شبه اینکه خانه‌اش هم گور اوست و هم کفن او.



منابع الهام شاعر در تشبیه

الف- موجودات زنده

در دیوان عمیق انواع موجودات زنده وجود دارند ولی خر، شیر، پیل و مور بیشتر از حیوانات دیگر چون غوک (کلاو)، خبز دو (جعل)، افعی، نهنگ، خرس، کرم ابریشم و آهو جلوه کرده‌اند:

خری زیر من چون خیزدو و لیکن
بسر او من چنان چون کلاوی اعور

(دیوان، ص ۱۴۵)

از میان پرندگان هم غراب و مرغ و کبوتر و عقاب بیشترند:

هژبر وار تو بر پشت باد پای سمند
چو ازدها که سواری کند به پشت عقاب

(همان، ص ۱۳۲)

ب- گلها و درختان

در تشبیهات دیوان عمیق، گلها و درختان هم نقش ایفا می‌کنند؛ محبوب شاعر صنم سرو قد سیم ذقن است (دیوان، ص ۱۸۳)، در دعای تأیید، آرزو می‌کند که چشم ممدوح به قد سواران سرو قد بیفتد و دستش به زلف نگاران گل عذار (ص ۱۶۹)، معشوق برای تبریک عید، قد راست خود را که چون سرو کوهی است به رسم تعظیم خم می‌کند (ص ۱۵۳) اقبال از دیدگاه او به گل می‌ماند (ص ۱۶۰)، پیراهن عاشق از خون چشمانش به لاله زار مانند است (ص ۱۶۴)، قد بلند جام مثل نارون است و رنگ عجیب او به رنگ نارदान، پیکر آن از آفتاب درخشان تر است و قالب آن از شاخ خیزران پیچان تر است (ص ۲۰۰)، بوته گل سرخ همانند عروسی خود را آرایش می‌کند و ابر بهاری آرایشگری است که با بارش خود غبار از چهره او پاک می‌کند (ص ۱۶۲):



گلبن عروس وار بیاراست خویشتن

ابرش مشاطه وار همی شوید از غبار

ج-اصطلاحات جنگی: در دیوان شاعر، اصطلاحات جنگی نادر است. ظهور خورشید از کوه به چتر یاقوتین در لشکرگاه اسکندر می‌ماند (ص ۱۵۳):

ز تیغ کوه خورشید جهان امروز شد پیدا

بسان چتر یاقوتین به لشکرگاه اسکندر

تازیانه ممدوح از گرز رستم بالاتر است (ص ۱۸۰). باد بادیه به پیکان و خار آن به خنجر مانند شده است. (ص ۱۴۶):

ز آتش اجل رسته وز باد پیکان

ز خاکش خشک رسته وز خار خنجر

د-اصطلاحات نجومی



۱۴۲

نجوم در کنار فلک به چشم عشق‌بازی می‌ماند که پر از در شاهوار است (ص ۱۶۹) ممدوح به ماه و خورشید مانند است و گاه از آنها برتر است (ص ۱۶۱). شاعر خود و شمع را همچون دو پیکر در آغوش هم می‌داند (ص ۱۵۴). آثار عدل ممدوح همچون ستاره، بشمار است و جودش همچون دریایی بی کران (ص ۱۶۶). رخ ممدوح به هلال شبیه است (ص ۱۸۳) و حصار او بالاتر از دو پیکر (ص ۱۴۶). نیز ممدوح به سپهر و سهیل (ص ۱۸۷) و شاعر به سهیل مشکین زلف و ماه زهره ذقن مانند است (ص ۱۸۴). عارض شمع به آسمان سیمین و قطره های موم به اختر گوهرین می‌ماند (ص ۱۵۵):

ز دوده عارضش گفتی که سیمین آسمانستی

قطار قطره های خوی بر او چون گوهرین اختر

هـ - اصطلاحات اشرافی:

در تشبیهات عمیق، رنگ اشرافیت درباری به خوبی نمایان است؛ از این جمله است تشبیه غزال بر پهنه آسمان به نگار خلد بر فرش عبقر (ص ۱۴۷)، خزان به زرگر (ص ۱۵۵) مغرب به عقیق مذاب (ص ۱۳۸)، خاک و خاره به لعل بدخشی (ص ۱۴۳)، خون بر حلقه جوشن به لعل خرده بر نگار (ص ۱۶۷).

نتیجه بحث

۱. در نیمی از ابیات عمیق تشبیه دیده می شود که این امر گواه اشتیاق او به ترکیب سازی با تخیل قوی است.

۲. در دیوان عمیق غلبه با تشبیهات حسی و مفرد است.

۳. جنبه انتزاعی تصویر های او بیشتر شکل حسی به عقلی است.

۴. با توجه به نمودار ۱، ۱۵٪ و ۴٪ از تشبیهات عمیق را تشبیه تفضیل و مشروط تشکیل

می دهد که از دیگران در نوآوری سبقت گرفته است:

۳- درد دیوان عمیق، تشبیه عکس نادر است.

۴- ۷٪ از تشبیهات عمیق، مرکب به مرکب است که گاه وهمی و خیالی هم هست.

او گریز دشمن از پرچم ممدوح را به گریز اهریمن از آیه قرآن می داند:

چو سهم رایت بیند معادی زود بگریزد

چو اهریمن، که بگریزد ز سهم آیت فرقان

(دیوان، ص ۱۸۹)

ز تیغ کوه، خورشید جهان افروز شد پیدا

به سان چتر یاقوتین به لشکر گاه اسکندر

(همان، ص ۱۵۳)



۵- گاهی، در تشبیهات مرکب عمیق، تناسبی میان مشبه و مشبه به نیست؛ از جمله تشبیه خون مبارز بر حلقه جوشن به لعل خرده بر نقش پیروزه مانند کرده است. وجه شبه کبودی هر دو است:

بر حلقه‌های جوشن، خون مبارزان
گردد چو لعل خرده به پیروزه بر نگار

(دیوان، ص ۱۶۷)

۶- تشبیهات مرکب عمیق گاهی با اصطلاحات می‌خوارگی و فرهنگ اشرفی همراه است. او جلوه می‌در شب تاریک را به درخشش عقیق از میان توده مشک تشبیه می‌کند:

شبی که او بنماید به خلق، صورت خویش
عقیق بار گل است از میان مشک ختن

(همان، ص ۱۸۶)

گاهی نیز لَف و نَشْر و تضاد زینت دهنده تشبیه مرکب عمیق هستند. البته عمیق به بدیع توجه داشت. وی در قصاید خود، راه تازه‌یی پیش گرفته که عبارت است از وصف خیالات به نحوی که به آنها جنبه حیات و حرکت و تکلم داده است:

به بزم و رزم درون آب و آتش است چنانک

به صلح و جنگ، به کردار رحمت است و عذاب

(همان، ص ۱۳۲)

۷. از ویژگی‌های عمیق تشبیه جمع مرکب به مرکب است.

۸. ۲/۹٪ تشبیهات عمیق، مفرد به مرکب است.

۹. هجو در دیوان عمیق زیاد نیست. به نظر می‌رسد رنجیدگی خاصی از یکی از امرای

سلطان محمد خوارزمشاه به نام «أَعْلُ» داشته و به هجو او پرداخته است.

۱۰. تشبیهات نو، وجه شبه نو، تشبیه خیالی و وهمی عمیق نشان دهنده تغییر سبک است.



۱۱. شاعر موضوع‌های علمی را در فکر شاعرانه خود کاملاً مستهلک نموده و صنعت ابداع در بسیاری از ابیاتش آشکار است.
۱۲. به نظر می‌رسد او شاعری شیعی است.
۱۳. لغات مهجور در دیوان عمیق تشبیهاتش را پیچیده نموده است. وجود بعضی از لغات فارسی موجود در معاجم عربی در دیوان عمیق گواه عربی دانی اوست.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

۱. آق اولی، حسام العلماء (۱۳۷۳)، چاپ سوم، قم، درر الادب.
۲. احسان، عباس، (۱۴۰۱)، تاریخ الادبی عند العرب، چاپ سوم، بیروت - لبنان، دارالثقافه.
۳. افغانی، محمدعلی (۱۴۱۰)، المدرس الافضل، قم، دارالکتاب.
۴. پور نامداریان، تقی، (۱۳۷۴)، سفر در مه، تهران، انتشارات زمستان.
۵. تجلیل، جلیل، (۱۳۶۸)، نقشبند سخن، تهران، انتشارات اشراقیه.
۶. تقوی، سید نصرالله، (۱۳۶۷)، هنجار گفتار، اصفهان، فرهنگ سرای اصفهان.
۷. خاتمی، احمد، (۱۳۷۳)، شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی، تهران، مؤسسه پایا.
۸. خرندزی، محمد، (۱۳۴۴)، سیرت جلال الدین منکبرتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. راستگو، سید محمد، (۱۳۸۲)، هنر سخن آرای، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. رجایی، معالم البلاغه، (۱۳۵۸)، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.



۱۲. رونی، ابو الفرج، (۱۳۴۷)، دیوان، به اهتمام محمود مهدوی دامغانی، مشهد، کتابفروشی باستان.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۶۰)، صور خیال، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم.
۱۴. شمس العلماء گرکانی، محمد حسین (۱۳۷۷)، ابداع البدائع، تبریز، انتشارات احرار.
۱۵. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، بیان، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هفتم.
۱۶. صادقیان، محمد علی، (۱۳۷۹)، طراز سخن، یزد، دانشگاه یزد.
۱۷. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات، جلد دوم، تهران، انتشارات فردوس.
۱۸. طالبیان، یحیی، (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمان.
۱۹. عتیق، عبدالعزیز، (۱۹۷۴م)، علم البیان، بیروت، دار النهضة العربیه.
۲۰. علوی مقدم، محمد، (۱۳۷۶)، معانی بیان، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. علی الصغیر، محمد حسین، (۱۴۲۰)، اصول البیان العربی، بیروت- لبنان، دار المؤرخ العربی ۱۴۶
۲۲. عمیق بخارایی، (۱۲۹۷)، دیوان، به نقل از آذر بیگدلی، آتشکده، چاپ بمبئی.
۲۳. _____ (بی تا) دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات کتابفروشی فروغی.
۲۴. فاضلی، محمد، (۱۳۷۶هـ)، درسه و فی مسائل البلاغیه هامه، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۲۵. فرشید ورد، خسرو، (۱۳۸۰)، در باره ادبیات و ادبی، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر.
۲۶. فشارکی، محمد، (۱۳۷۹)، بدیع، تهران، چاپ مهر.
۲۷. نصر علی، جهینه، (۲۰۰۳م)، الکلمات الفارسیه فی المعاجم العربیه، دمشق، مکتبه دار طلاس.

۲۸. نصیریان، یدالله، (۱۳۸۰)، علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران، انتشارات سمت.
۲۹. هاشمی، احمد، (۱۳۷۵)، جواهر البلاغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
۳۰. هاشمی خراسانی، حمیدالدین، (۱۳۷۰)، مفصل شرح مطول، قم، نشر حاذق.
۳۱. هاوسن، ترانس، (۱۳۷۷)، استعاره، ترجمه فرزانی طاهری، تهران، نشر مرکز.
۳۲. هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۳)، مدارج البلاغه، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۳۳. همایی، جلال الدین، (۱۳۷۳)، معانی و بیان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر هما.

(ب) مقاله‌ها:

۱. طالبیان، یحیی، (زمستان ۱۳۷۵هـ)، تعدد و ترکیب در تشبیه، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره هشتم، صص ۵۵-۵۹.
۲. صفا، ذبیح الله، (۱۳۱۴)، عمق بخارایی، مجله مهر، سال سوم، شماره ۴، صص ۴۰۵-۴۱۱.



AM'AGH AND SIMILE

Mohammadreza Najjarian, Ph.D
Yazd University

Abstrac:

The poet laureate Am'agh Bokharaei is among the poets in the early sixth century. The themes of his poems are different in accordance with the time, panegyric and sometimes satire, lyricism and description of nature. His poetic work includes odes, quatrains and some stanzas. Most of his odes are in panegyric for Shams-almolk; but while panegyric, he does not trample on the nature magnanimity and intellectual and spiritual excellence through oriented and voracity. He is skilled at simile, and almost half of his verses contain similes. Therefore, he should be called a simile-oriented poet stylistically. Most of his similes are unique and tangible. The brief, but efficient, similes, are fictional, imaginary; plural, compound, superlative, and tangible. The similes in his poetic work indicate that he has adorned his words apparently and inwardly. That is why Anvari calls him a locution master. Since Am'agh is among the poets who contribute to changing the Khorasani style to Iragi style, we seek to study the simile elements; its types and objectives, its closeness to eloquent and inspired resources in his poetic work and his style through referring to the statistical table of the poet's similes.



Key words: Am'agh, Simile, Metaphore, Imagery, Conditioned simile, Imaginary simile, Fictional simile, Rational simile